

تحلیل گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر شاعران انقلاب اسلامی

حسن بشیر^۱، میلاد عرفان‌پور^۲

چکیده

ادبیات، سندی است اجتماعی که می‌توان با تحلیل آن، تصویری از شرایط اجتماعی هر دوران، از جمله دوران انقلاب اسلامی را به دست آورد. در این مقاله، با روش تحلیل گفتمان پدام انتقاد اجتماعی در شعر دهه اول تا سوم انقلاب اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. دو پرسش این پژوهش یکی به چپستی گفتمان‌های غالب انتقاد اجتماعی در شعر سه دهه نخست انقلاب اسلامی اختصاص یافت و دیگری به سیر تحول این گفتمان‌ها در این سه دهه.

برای انتخاب شاعران مطرح اجتماعی مصاحبه‌ای از ده نفر از متخصصان این حوزه انجام و پس از تعیین شعرا از هر دوره، ۵ شعر از هر کدام که به‌طور برجسته‌تر به انتقاد اجتماعی پرداخته است، انتخاب شد. بنابراین، در مجموع ۷۵ شعر تحلیل شد و گفتمان‌های غالب انتقاد اجتماعی از هر دهه، همچنین سیر تحول این گفتمان‌ها مورد تبیین قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که شش گفتمان برتر انتقاد اجتماعی عبارتند از: افول اجتماعی اخلاقی، افول اجتماعی فرهنگی، افول اجتماعی روانی، افول اجتماعی اقتصادی، گفتمان افول اجتماعی دینی و افول اجتماعی سیاسی. در مورد سیر تحول گفتمان‌های انتقاد اجتماعی نیز عوامل و زمینه‌های بیرونی بررسی گردید.

واژه‌های کلیدی

تحلیل گفتمان پدام، انتقاد اجتماعی، شعر انقلاب اسلامی، شاعران انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۱

۱. استاد دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) drhbashir100@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول) m. Erfanpoor@gmail.com

مقدمه

شعر پدیده‌ای است فرهنگی و ارتباطی و همچنین ریشه‌دارترین، پربارترین، پرمخاطب‌ترین و مفهومی‌ترین اثر هنرمندانه در تاریخ سرزمین ماست. زبان شعر همواره یکی از صادق‌ترین و بی‌پرواترین زبان‌ها در بیان انتقاد اجتماعی بوده است. در دوره انقلاب اسلامی نیز مسئله انتقاد اجتماعی، به میزان قابل توجهی مورد اهتمام شاعران قرار گرفته است. شاعران پس از انقلاب اسلامی در هر دوره بحران‌ها و معضلات اجتماعی را در قالب شعر، با مردم به مشارکت گذاشته‌اند. تحلیل گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر پس از انقلاب اسلامی خواهد توانست در دوره‌های مختلف انقلاب اسلامی، گفتمان‌های مرتبط با انتقاد اجتماعی را در شعر شاعران، بیابد و تبیین کند و علاوه بر آن رویکردهای فکری و اجتماعی شاعران این دوره را نیز می‌توان بر اساس روش تحلیل گفتمان ارزیابی کرد.

در اینجا به اختصار به مفهوم نقد به‌ویژه انتقاد اجتماعی و روش تحلیل گفتمان برای کشف نقد اجتماعی در شعر انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. واژه انتقاد در لغت‌نامه دهخدا به معنای نشان دادن نارضایتی خود از کسی یا نهادی با بیان کردن بدی‌ها، خطاها یا ایرادها معنا شده است (دهخدا، ۱۳۲۵، جلد ۱: ۴۰۳).

رنه ولک معتقد است که ادبیات یک سند اجتماعی است که در تحلیل تاریخ می‌توان از آن استفاده کرد. او می‌گوید آثار ادبی مدارک اجتماعی و تصویرهای ارزشمندی از واقعیت‌های اجتماعی است و ادبیات، ویژگی‌های هر دوره زمانی را ثبت می‌کند (درستی، ۱۳۸۱: ۳۲).

«از ویژگی‌های مهم شعر معاصر (از مشروطه به این سو) توجه صریح و آگاهانه به مسائل اجتماعی است. در دوره مشروطه مفاهیم انتزاعی جای خود را به مضامین عینی و اجتماعی داد» (حسنلی، ۱۳۸۳: ۳۶۸). شاعرانی چون ملک‌الشعراء بهار، نیما یوشیج، پروین اعتصامی، میرزاده عشقی، عارف قزوینی، دهخدا و فرخی یزدی در این دوره و همچنین سال‌های پس از آن طلایه‌دار جریان انتقاد اجتماعی در شعر شدند. «نکته بسیار مهم دیگری که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت و جای نقد و بررسی موشکافانه و تفصیلی دارد شعر معاصر پس از انقلاب اسلامی است. با این توضیح که انقلاب اسلامی دگرگونی‌هایی در نظام سیاسی، اجتماعی و فکری ایجاد کرده است» (درگاهی، ۱۳۸۹: ۴۱).

در این مقاله، در واقع به فهم گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر سه دهه پس از

انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. یافتن گفتمان غالب شعر هر دهه از انقلاب و مقایسه و تحلیل سیر تحولی این گفتمان‌ها هم فضای اجتماعی و مسائل و بحران‌های هر دوره زمانی را روشن می‌کند و هم کمک می‌کند تا فضای اندیشگی شاعران پس از انقلاب نسبت به انتقاد اجتماعی تبیین شود.

۱. پیشینه تحقیق

برای آشنایی با پیشینه تحقیق، مجموعه‌ای از کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند اما تاکنون هیچ اثری که به شیوه دانشگاهی به تحلیل گفتمان شعر انقلاب اسلامی پرداخته باشد، یافت نشد. البته موضوع‌های مشابهی در پایان‌نامه‌ها، کتب و مقالات دیده شد که در این بخش، به دلیل اهمیت تحقیقات دانشگاهی به برخی از پایان‌نامه‌ها اشاره می‌شود:

۱. صفایی، علی (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی شعر پس از انقلاب اسلامی. رساله دکترای تخصصی. دانشگاه گیلان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی؛ این رساله به دلیل تحلیل جامعه‌شناختی شعر پس از انقلاب اسلامی با موضوع مقاله قرابت دارد اما از روش تحلیل گفتمان استفاده نکرده است. هدف از این رساله بررسی چگونگی بازتاب این تحولات در آثار شاعران سه‌دهه انقلاب اسلامی بر اساس نظریه‌های چهره‌های مطرح در حیطه جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی ادبی نظیر بوردیو، آلتوسر، وبر، ایگلتون، لوکاج و... بوده است. توجه به شعر پس از انقلاب اسلامی از منظرگاه جامعه‌شناختانه ویژگی بارز این رساله است.

۲. چراغی، رضا (۱۳۸۹). نقد و بررسی نگاه انتقادی شاعران نوگرا به شعر کلاسیک. رساله دکترای تخصصی. دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات؛

این رساله از این‌رو که به تحلیل گفتمان شعر معاصر می‌پردازد با موضوع مقاله حاضر، قرابت دارد اما در مورد شعر انقلاب اسلامی نمی‌باشد. نویسنده در یک بازه زمانی صد ساله به تحلیل گفتمان شماری از مهم‌ترین شاعران نوگرا (به‌ویژه نیما، شاملو و اخوان)، تبارشناسی آراء آنان در نوشته‌های روشنگران نیمه دوم قرن سیزدهم و سرانجام بررسی تفصیلی نگاه نیما یوشیج به شعر کلاسیک پرداخته شده است. در این رساله انتقادهای نوگرایان در مباحثی چون غیریت‌سازی و تقابل گفتمانی، مفصل‌بندی، برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، سوء تشخیص، طبیعی‌سازی، فشار گفتمانی و استراتژی‌های زبانی بررسی شده است؛

۳. شهبازی، ایرج، (۱۳۸۹) تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه سعدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم انسانی؛

این تحقیق در چارچوب تحلیل گفتمان، هفتاد غزل عاشقانه از سعدی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. هدف این تحقیق، تجزیه و تحلیل غزلیات در سطح ساخت کلان، ساخت خرد و عوامل انسجامی است. برای بررسی عوامل انسجامی از الگویی که هلیدی و حسن (۱۳۷۶) ارائه کرده‌اند استفاده شده و برای بررسی غزلیات در سطح خرد یازده الگوی نحوی مورد توجه قرار گرفته است؛

۴. مدنی، سیده طیبه (۱۳۸۷) مضامین اصلی شعر زنان پس از انقلاب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی؛

این پایان‌نامه به مضامین اصلی شعر زنان پس از انقلاب اسلامی در دو حوزه فکری (شعر نوگرایی و روشنفکری و شعر مذهبی روشنفکری) می‌پردازد و مهم‌ترین مضامین بررسی شده را با داده‌های آماری به دست می‌آورد.

۵. ضرونی، قدرت ... (۱۳۹۰) بررسی تحول ماهیت معشوق شعر فارسی در سه دهه پس از انقلاب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی؛

این پایان‌نامه پژوهشی است در مورد شعر غنایی و تغزلی پس از انقلاب اسلامی از منظر واکاوی ماهیت معشوق و در آن تأثیر تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بر تکوین ماهیت معشوق و رویکردهای فکری و زیبایی‌شناختی شاعران این دوره نسبت به معشوق مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

۶. رئیسی، حجت ... (۱۳۸۹) نقد و بررسی محتوای غزل پس از انقلاب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهرکرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

در این پایان‌نامه به بررسی درون مایه غزل‌های پس از انقلاب اسلامی پرداخته شده است. ابتدا چهره‌های شاخص غزل پس از انقلاب با شناساندن هفت شاعر غزل‌سرا معرفی شده است و سپس در سرفصل‌های مشخص چون مضامین عاشقانه، مضامین عارفانه و مضامین اجتماعی به بررسی درون‌مایه غزل‌ها پرداخته شده است.

۲. ویژگی‌های شعر انقلاب

اگر بنا باشد، مهم‌ترین ویژگی‌های شعر انقلاب اسلامی را نام ببریم می‌توانیم به این موارد اشاره کنیم:

تحلیل گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر شاعران انقلاب اسلامی | ۵

- ۱) احیای مجدد قالب‌های کلاسیک و رویکرد متعادل به قالب‌های نو (سنگری، ۱۳۹۳: ۱۵۵):
- ۲) نوآوری‌های گسترده؛
- ۳) توجه به حماسه، پایداری و بیگانه ستیزی (کافی، ۱۳۸۹: ۱۳۹):
- ۴) رویکرد دینی؛
- ۵) رویکرد مردمی، اجتماعی و انتقادی (سنگری، ۱۳۹۳: ۲۷).

۳. انتقاد اجتماعی

«منتقد در عرصه انتقاد در پی رفع بدی‌ها، ناخالصی‌ها و پلیدی‌هاست» (لاریجانی، ۱۳۹۱: ۸۹).

همچنین در دیگر تعاریف مشابه می‌خوانیم:

«انتقاد اجتماعی عبارت است از خرده‌گیری و عیب‌جویی از جنبه‌های مختلف عقاید و باورهای خرافی یا غلط و اعمال نادرست مردم در فضای اجتماعی و همچنین وابستگی آنها به اموری که از نظر عقل و عرف مطرود است» (پورالخاص نوکننده‌ای، ۱۳۷۵: ۷۰).

انتقاد اجتماعی فعالیت شایعی است از حیث مشارکت مردم در آن به شیوه‌های مختلف و باید توجه داشت که «نقد اجتماعی» شبیه نقد ادبی نیست چراکه در آن صفت «ادبی» تنها در باب مفعول (جمله یا موضوع نقد) که اسم نامیده می‌شود چیزهایی به ما می‌گوید اما در «نقد یا انتقاد اجتماعی»، صفت «اجتماعی» نکاتی را نیز در باب فاعل یا منتقد به ما می‌گوید. در واقع انتقاد اجتماعی یک فعالیت اجتماعی است. صفت «اجتماعی» کار ویژه ضمیری و انعکاسی دارد و شبیه «خود» در عبارت «خود انتقادی» است که به‌طور هم‌زمان فاعل و مفعول را مورد اشاره قرار می‌دهد.

۴. چارچوب روشی

انجام این تحقیق به شیوه تحلیل کیفی داده‌ها، از طریق به‌کارگیری روش تحلیل گفتمان انجام شده است.

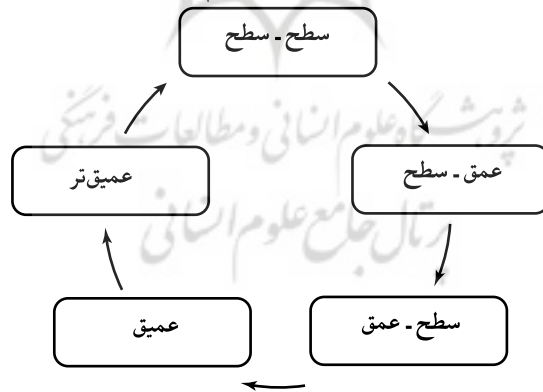
«تحلیل گفتمان تحولی مهم در تحقیق کیفی محسوب شده و با این فرض آغاز می‌شود که گفتمان در همه سطوح از گزارش‌های فردی تا اجتماعی کلان اهمیتی کلیدی دارد» (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

درباره تحلیل گفتمان، روش‌های گوناگونی تاکنون ارائه شده است. روش ون‌دایک، روش فرکلاف، روش لاکلو و موفه از مهم‌ترین روش‌ها در این زمینه است. هر یک از این روش‌ها رویکرد ویژه‌ای به تحلیل گفتمان دارد. اما آنچه که در همه این روش‌ها دیده می‌شود وجود نوعی از ابهام در شیوه عمل است. برای مثال «روش ون‌دایک نهایتاً در دام جزایر جداگانه معنای کلمات و مفاهیم و فرمول‌های دستوری می‌افتد» (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۸).

«روش عملیاتی تحلیل گفتمان» (پدام) پیشنهادی است آزمون شده برای درک و تحلیل دقیق‌تر گفتمان‌ها که در این پژوهش نیز جهت تحلیل متون مورد بررسی، بکار گرفته خواهد شد.

۱-۴. روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)

روش پدام، روشی است کاربردی برای خروج از اشکال‌های ذهنیت‌گرایی و به‌کارگیری مناسب عینیت و ذهنیت برای درک بهتر معنای مورد بررسی است (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۰). روش پدام، به صورت کلی همچون روش فرکلاف، شامل سه مرحله کلان «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» است که این سه مرحله به پنج سطح تحلیلی «سطح سطح»، «عمق سطح»، «سطح عمق»، «عمیق» و «عمیق‌تر» تقسیم شده‌اند (نمودار شماره: ۱).



نمودار ۱. سطوح مختلف تحلیل گفتمانی طبق روش پدام (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۱)

آنگونه که می‌بینیم هر پنج محور در یک فرایند کاملاً پیوسته یکدیگر را تکمیل می‌کنند به طوری که اگر یکی از این حلقه‌ها محقق نشود در این فرایند خللی ایجاد می‌شود.

۱-۴-۱. مرحله اول: توصیف

در روش پدام، مرحله توصیف، سه سطح نخست تحلیل را در بر می‌گیرد و در بینامتنیتی درون‌متنی، در پی دستیابی به معنای نهایی متن است. سه سطح نخست

عبارت‌اند از:

سطح- سطح:

مقصود از سطح- سطح، قرائت متن با رویکرد معنای آشکار، تحت‌اللفظی و هرژمونیک است.

عمق- سطح:

مقصود از عمق سطح، کشف معنای فراتر از معنای تحت‌اللفظی متون انتخاب شده است.

سطح- عمق:

در سطح سوم تحلیل، یعنی «سطح عمق»، هدف کشف معنای ممکن متن گزینشی، با توجه به سایر متون موجود در متن و کشف رابطه معنایی در کل متن است.

۱-۴-۲. مرحله دوم: تفسیر

به‌طور کلی، دو مرحله «عمیق» و «عمیق‌تر»، مراحل اصلی تحلیل گفتمانی در روش «پدام» اند که کشف اصلی معناها، جهت‌گیری‌ها، گرایش‌ها و ناگفته‌ها در این دو مرحله صورت می‌گیرد. مرحله «عمیق» را می‌توان مرحله «تفسیر» نامید. در این سطح، «تحلیل بینامتنیت ذهنی تحلیل‌گر و بینامتنیت‌های مرتبط» با توجه به معنای ضمنی به دست آمده از تحلیل سطح «سطح عمق» انجام می‌گیرد.

۱-۴-۳. مرحله سوم: تبیین

تحلیل گفتمان در سطح «عمیق‌تر» را می‌توان مرحله «تبیین» نامید. سطح «عمیق‌تر» تحلیل، مرحله بررسی نتایج به دست آمده از مراحل قبلی با توجه به فرامتن است. در اینجا مفسر یا تحلیل‌گر حضور کامل و تام داشته و قرائت نهایی مفسر و تحلیل‌گر صورت می‌گیرد که با استفاده از متن، زمینه، بینامتنیت‌های پدیدآورنده و تحلیل‌گر، فرامتن‌های متن اصلی با گرایش پدیدآورنده و فرامتن‌های احتمالی متن با گرایش تحلیل‌گر مورد استفاده قرار گرفته و تحلیل اساسی صورت می‌گیرد. این مرحله، در حقیقت مرحله ایجاد رابطه معنایی میان گفته‌ها و ناگفته‌هاست. در این مرحله، کشف ناگفته‌ها، برپایه گفته‌ها انجام می‌گیرد (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۶).

۵. چارچوب نظری

۱-۵. نظریه گفتمان

گفتمان به‌مثابه نظریه (فوکو، ۱۳۸۰ الف) یکی از رویکردهای نظری مهم این پژوهش است.

«از جمله مفاهیم مهم و پرکاربردی که در شکل دادن به تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب زمین در نیمه دوم قرن بیستم نقش بسزایی داشته است مفهوم «گفتمان» است. (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۳).

گفتمان، پدیده‌ای است چند وجهی و چند معنایی. کثرت وجوه و کثرت معنایی این پدیده موجب پیچیدگی و ابهام در دریافت صحیح معانی و فهم دقیق نقش، جایگاه، کار ویژه‌ها و لوازم آن شده است. بداعت مسائل و موضوعات مطروحه در بحث گفتمان از یک سو و گستردگی دامنه شمول و کارکرد معنایی آنکه رشته‌های متنوع علوم انسانی را دربرمی‌گیرد از سوی دیگر سبب شده تا اقبال و توجه چشمگیری به این مفهوم صورت گیرد (مک دانل، ۱۳۸۰: ۹).

به دلیل این کارکرد گسترده، مفهوم «گفتمان» به گونه‌ها و گرایش‌های متعددی تعریف شده که در اینجا فقط به دو تعریف اشاره می‌شود.

ریچاردز در این زمینه می‌گوید: گفتمان نظریه‌ای است عام برای نمونه‌های کاربرد زبان، یعنی زبانی که برای برقراری ارتباط تولید شده است و بر خلاف دستور زبان که با جمله‌ها سروکار دارد گفتمان به واحدهای زبانی بزرگتر چون بند، مصاحبه، مکالمه و متن سروکار دارد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۸).

گفتمان، نه تنها مربوط به اموری است که می‌تواند گفته شود یا درباره‌اش فکر کرد بلکه درباره این نیز هست که چه کسی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان مجسم کننده معنا و ارتباطات اجتماعی است و ذهنیت‌ها را شکل می‌دهد (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷).

آنسکومبر و دوکرو در تعریف نظریه گفتمان به سه نکته مهم توجه دارند: اول اینکه گفتمان، کنشی است که توسط فرد صورت می‌گیرد و دوم اینکه زمان خاص خود را داراست و سوم اینکه نوعی فعالیت زبانی است. فردی بودن، زمانمند بودن و عملی بودن گفتمان موجب می‌شود تا نتوانیم گفتمانی داشته باشیم که دوبار به یک گونه تولید شود (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۴). یعنی در حوزه گفتمان هیچ تشابه و تکرار کاملی وجود ندارد.

فوکو این مفهوم را، مجموعه‌ای از گزاره‌ها یا عبارات می‌داند که زبان و شیوه‌هایی را برای ارائه دانش در باره یک مضمون خاص در یک دوره تاریخ معین به وجود می‌آورد (مهدی‌زاده طالشی، ۱۳۸۳). گفتمان از نظر فوکو دلالت بر ساختارهای برساخته‌ای دارد که جهان را تصویر می‌کند. به عبارت دیگر امر واقع، امر گفتمانی است که از طریق محدودیت‌های زبانی در شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی ظاهر می‌شود (تاجیک و

همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۹).

۲-۵. نظریه معناشناسی

حوزه تحلیل گفتمان قرابت بسیاری با حوزه معناشناسی دارد و به عنوان یکی از رویکردهای مهم نظری برای فهم گفتمان به شمار می‌آید.

معناشناسی اصطلاحی است فنی که به مطالعه معنی اطلاق می‌شود، اما هنوز بر سر تعریف معنی اتفاق نظری وجود ندارد (پالمر، ۱۳۶۶: ۱۳). معناشناسی فرایند بررسی معنا برای کشف معانی حقیقی است اما بررسی معانی فردی را نمی‌توان برخی از مطالعه معنی‌شناسی دانست هرچند باید اذعان داشت مطالعه دلیل انجرف معانی فردی از الگوهای متعارف جالب و حائز اهمیت است. ضرورت این کار در مطالعه ادبیات به خوبی احساس می‌شود. چرا که در بسیاری از موارد معانی مورد نظر شاعر با آنچه به راحتی درک می‌شود متفاوت است (پالمر، ۱۳۶۶: ۲۵). در واقع «معناشناسی در واقع به این می‌پردازد که نقش سه عنصر مؤلف، متن و مخاطب در تکوین معنا چیست؟» (واعظی، ۱۳۹۰: ۸۸). «اصول نظریه معناشناسی از این قرار است:

۱. معنا ماهیتی اجتماعی فرهنگی دارد؛
۲. معنا فرایندی بین‌ذهنی و ارتباطی دارد؛
۳. شناخت بر پایه معنا صورت می‌گیرد؛
۴. ساختار معنایی و ساختار مفهومی یک چیزند؛
۵. شکل‌گیری، تحول و ساختار نظام‌های نشانه‌ای با معناشناسی تحلیل می‌شود؛
۶. در نتیجه دستور نظام‌های نشانه‌ای و به‌طور خاص زبان، برپایه معناست» (ساسانی، ۱۳۸۹: ۳۴).

در این مقاله در کنار تحلیل گفتمان، با استفاده از نظریه معناشناسی به دنبال کشف معانی نهفته در اشعار مورد بررسی هستیم.

۳-۵. نظریه کاربردشناسی زبان

کاربرد شناسی یکی از نظریات کاربردی برآمده از معناشناسی است که به آن نیز اشاره می‌کنیم: «کاربردشناسی عبارت است از مطالعه قوانین و اصول حاکم بر زبان در شکل کاربردی آن، درست نقطه مقابل دیدگاهی است که زبان را چیزی انتزاعی، حاوی قوانین ذهنی شده، مانند قوانین دستور زبان و روابط موجود بین نظام‌های انتزاعی و ذهنی زبان از یک طرف و کاربرد زبان از طرف دیگر می‌داند» (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۳). ون‌دایک می‌گوید کار اصلی کاربردشناسی به‌عنوان یکی از سه سازه عمده هر نظریه

نشانه‌شناسختی عبارت است از مطالعه ارتباط بین نشانه‌ها و کاربران آنها. جدا کردن کاربردشناسی از روان‌شناسی و علوم اجتماعی، اطلاعات کمی در خصوص هدف غایی توصیف و تفسیر در اختیارمان قرار می‌دهد. به هر حال، چنانچه نظریه کاربردشناسی را به عنوان بخشی از یک نظریه زبانی در نظر بگیریم، باید آن را پدیده‌ای نظام‌مند در حوزه نظریه زبانی و مرتبط با سایر بخش‌های آن به حساب بیاوریم. به عبارت دیگر کاربردشناسی را باید حوزه‌ای تجربی قلمداد کرد که شامل قوانین قراردادی زبان و کاربرد این قوانین به هنگام تولید و درک گفتار می‌شود. در حالی که نحو و توصیفات واژواجی شرایط خوش ساخت بودن برای زنجیره گفتار، معنادار بودن معناشناسی و شرایط ارجاع را فراهم می‌آورد (پالمر، ۱۳۶۶: ۳۴ و ۳۵).

۶. تحلیل گفتمانی شعرهای منتخب

در اینجا باید تأکید شود با نظر متخصصان و صاحب‌نظران از هر کدام از سه دهه نخست انقلاب اسلامی پنج شاعر و در نهایت از هر شاعر پنج شعر برجسته‌تر در حوزه انتقاد اجتماعی انتخاب شد.

۱- ۶. دهه نخست:

۱. علی معلم دامغانی ۲. طاهره صفارزاده ۳. یوسفعلی میرشکاک ۴. حمید سبزواری ۵. سلمان هراتی

۲- ۶. دهه دوم:

۱. قیصر امین‌پور ۲. سیدحسن حسینی ۳. فرید طهماسبی ۴. علیرضا قزوه ۵. احمد عزیزی

۳- ۶. دهه سوم:

۱. علی محمد مؤدب ۲. ناصر فیض ۳. سعید بیابانکی ۴. محمدرضا ترکی ۵. بیژن ارژن
در انتخاب شاعران هیچ محدودیت قالبی یا موضوعی جز برجسته‌بودن انتقاد اجتماعی در شعر، اعمال نشد. بنابراین، قالب‌های گوناگون شعری در این ۷۵ شعر وجود دارند و هم‌گهگاه شعرهای طنز جزء شعرهای منتخب قرار گرفته‌اند.

در این مرحله، مراحل تحلیل گفتمانی ۷۵ شعر منتخب آغاز می‌شود. لازم به ذکر است که در تحلیل شعرها، عبارت «برداشت از اصل متن» به معنای «مرحله سطح سطح»، عبارت «جهت‌گیری و گرایش متن» به معنای «مرحله عمق سطح» و عبارت «تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن» به معنای «مرحله سوم سطح عمق» خواهد بود. (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۵).

تحلیل گفتمانی این شعرها با استفاده از متن‌های همسو با رویکرد پژوهشی مقاله و با توجه به معنای ظاهری، معنای پنهان، چگونگی مفصل‌بندی مسائل مختلف با همدیگر در متن شعرها، روابط بینامتنی درون و برون شعرها و سرانجام پیوندسازی گفتمان حاکم بر هر شعر با گفتمان اجتماعی موجود در جامعه صورت گرفته است. بدیهی اشاره به همه این موارد مقاله را از نظر حجم و تعداد کلمات به شدت افزایش خواهد داد که مناسب انتشار در هیچ فصلنامه‌ای نخواهد بود. به همین دلیل تلاش شده است که دال‌های گفتمانی مستخرج از شعرهای مزبور و رویکردها گفتمانی آنها درج شود که خود نشان دهنده نتایج مهم پژوهشی این مقاله خواهد بود.

۴-۶. تحلیل نمونه‌ها

با توجه به ضرورت انتقال و طولانی بودن فرایند تحلیل گفتمان هر یک از شعرهای ۷۵ گانه شعرای مزبور، تنها به فرایند اجرای روش پدام برای فقط یکی از اشعار یکی از شعرای مزبور اشاره و در مورد بقیه جمع‌بندی‌های صورت گرفته و نتایج به دست آمده از تحلیل مطرح خواهند شد.

۱-۴-۶. سه مرحله نخست تحلیل گفتمان شعر تطاول علی معلم دامغانی دهه اول

شعر اول: تطاول

برداشت از اصل متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
دم سموم خزان موزیانه در باغ است به باغبان برسد موزیانه در باغ است خزان قهر، به عرض ضیافت آمده است به باغبان برسانید آفت آمده است	در جامعه آفات و آسیب‌هایی از ناحیه دشمنان داخلی وجود دارد	توصیف منافقین به عنوان آفت جامعه
به دست فاجعه چیدند باغبان، گل باغ خدای را چه کسانند در تطاول باغ؟	جامعه در معرض تطاول و غارت از ناحیه منافقین است	هشدار نسبت به آسیب‌رسانی منافقین به سرمایه‌های جامعه
ریوده‌اند پلنگان به تک، سر رمه را به فتنه داغ نهادندای شبان! همه را	منافقین نه تنها مردم بلکه مدیران جامعه را نیز مورد آسیب قرار داده‌اند	انتقاد به عدم هوشیاری مدیران جامعه در مقابل نفاق

۲-۴-۶. مرحله چهارم (عمیق)

با شناسایی دال‌های فرعی در سه مرحله نخست و دقت در مفصل‌بندی‌های گفتمانی، دال‌های مرکزی هر سه دهه نیز مورد شناسایی قرار گرفته شده و در نمودار شماره (۲)، (۳) و (۴) بیان شده‌اند.



نمودار ۲. دال‌های مرکزی شعرهای دهه نخست انقلاب



نمودار ۳. دال‌های مرکزی شعرهای دهه دوم انقلاب



نمودار ۴. دال‌های مرکزی شعرهای دهه سوم انقلاب

۳-۴-۶. مرحله عمیق‌تر تحلیل نهایی شعرهای منتخب سه دهه نخست انقلاب اسلامی در این بخش دال‌های مرکزی که در جدول نمودار شماره ۴ معرفی شدند با توجه به زمینه‌ها و مفصل‌بندی‌ها تحلیل می‌شوند تا ناگفته‌ها به دست آیند.

۱-۳-۴-۶. اوج انتقاد از مفاسد اقتصادی و اداری در دهه اول و ادامه آن در دهه دوم و سوم در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی که غالب مردم با قناعت، گذشت و کمک به انقلاب و دفاع مقدس خوگرفته بودند تحمل فساد اقتصادی و اداری برای آنان و به‌خصوص نخبگان قابل تحمل نبود. بنابراین، پنج شاعر منتخب این دهه در ۱۵ محور از ۱۵ شعر بررسی شده به این حوزه پرداخته‌اند.

۱۱ محور برگرفته از این اشعار به‌طور خاص به مفاسد اقتصادی نظر دارد و ۴ مورد دیگر مفاسد اداری را برجسته کرده است. همچنین در تعداد قابل توجهی از این گزاره‌ها هجو شخصیت مفسدان اقتصادی و تحلیل شخصیت پلید آن و تقابل آنان با مردم بیان شده است.

تحلیل نشان می‌دهد گفتمان انتقاد از مفسدان اقتصادی اداری بعد از دهه اول در شعرهای شاخص انقلاب روبه‌گاهش بوده است. دهه دوم تنها هشت محور در حوزه مفاسد اقتصادی و اداری بیان شده است که خلاف وضعیت دهه اول این بار بیشتر انتقادات به مفاسد اداری پرداخته‌اند. از این میان، پنج محور به مفاسد اداری اختصاص یافته که در این محورها بی‌تعهدی مدیران و مادی‌گرایی آنان، ضعف نهادهای نظارتی و وجود پارتی‌بازی در جامعه بازنمایی شده است. این نشان دهنده آن است که نقد مفاسد اداری کمی عمیق‌تر شده و به جای تمرکز بر جزئیات انحراف‌های کلی در رویکردها و سیاست‌گذاری‌ها و نظارت‌ها را مدنظر قرار داده است. اما کاهش تقریباً پنجاه درصدی انتقاد از مفاسد اقتصادی و اداری در دهه دوم به معنای کاهش معضلات این حوزه نمی‌تواند باشد چرا که دهه دوم به اذعان بررسی‌ها و آمارها وضعیت اداری و اقتصادی بدتری نسبت به دهه نخست داشته است.

۲-۳-۴-۶. انتقاد از بی‌تعهدی و عافیت طلبی، گفتمان برجسته‌ای در دهه نخست انقلاب

در مرحله عمیق، بر اساس ده محور استخراج شده از شعر شاعران منتخب دهه اول، (انتقاد از بی‌تعهدی و عافیت طلبی) به عنوان یک گفتمان غالب، نمایان شده است و این نتیجه تأکیدی است بر اهمیت گفتمان تعهد و گریز از عافیت‌طلبی در این سال‌ها که سراسر با نبرد و مبارزه و ایثار همراه بوده است.

پنج شاعر منتخب دهه اول غالباً عضو حلقه نخست شاعران حوزه هنری سازمان تبلیغات بودند و همه بایکدیگر هم‌نشینی و هم‌اندیشی مدام داشتند. با توجه به این زمینه می‌توان پررنگ بودن گفتن تعهد و دوری از عافیت‌طلبی را در شعر این شاعران تحلیل کرد چرا که ایشان خود را متعهد به انتقال فرهنگ انقلاب اسلامی می‌دانستند؛

فرهنگی که آکنده بود از احساس مسئولیت، ایثار و دوری از دنیاگرایی. از طرف دیگر، پدیده انقلاب بالذات حامل شوری انقلابی بود که تعهد را در میان مردم دامن می‌زد. شاعران هم از جمله افشاری بودند که در قبال حفظ این روحیه در مردم احساس وظیفه می‌کردند.

بر مبنای نتایج تحلیل چهارمرحله نخست، از دهه دوم به بعد دوران پس از جنگ تحمیلی است به دلیل کم‌رنگ‌تر شدن احساس نیاز به تعهد در مقابله با دشمن، گفتمان تعهد و دوری از عافیت‌طلبی کم‌رنگ‌تر شده به طوری که در دهه دوم هیچ اشاره مستقیمی در شعرها نیامده و در دهه سوم نیز تنها دو محور در شعرهای به نقد بی‌تعهدی و عافیت‌طلبی پرداخته‌اند.

بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به ادامه و حتی افزایش بی‌تعهدی و عافیت‌طلبی در جامعه دهه دوم و سوم، که حاصل رفاه بیشتر و اتمام جنگ بوده، شاعران منتخب دهه‌های دوم و سوم کمی در این حوزه کم‌توجهی و کم‌اقبالی داشته‌اند.

۳-۴-۶. انتقاد مداوم از تفرقه و کم‌رنگ شدن همدلی و برادری به خصوص در دهه‌های اول و سوم در رابطه با دهه اول، این توضیح ضروری می‌نماید که با پیروزی انقلاب اسلامی شکاف‌هایی در جامعه ایجاد شد و چند دستگی‌هایی به وجود آمد و فضای نسبتاً باز سیاسی به وجود آمده نیز در نمایش این اختلافات مؤثر بود. از جمله این شکاف‌ها، شکاف مذهبی بود که با استقرار حکومتی شیعی که قصد اشاعه مذهب را در تمام شئون داشت اقلیت‌های مذهبی احساس خطر کردند دچار بدبینی، اختلاف و حتی در برخی مناطق درگیری‌های فیزیکی با انقلابیون شدند.

شکاف دوم، شکاف قومی بود. نابسامانی و به هم‌ریختگی اوضاع در سال‌های اولیه انقلاب باعث شد تا اقوامی که در دوران شاهنشاهی مورد ظلم و تبعیض بسیار قرار گرفته بودند و امیال قومی خود را سرکوب شده می‌دیدند فرصت را غنیمت بشمرند و بر منافع قومی و حتی استقلال خود از کشور پافشاری و افراط کنند. هنوز یک هفته از انقلاب نگذشته بود که کردستان به صحنه درگیری‌های خونین میان گروه‌های یادشده و انقلابیون تبدیل شد. این وضعیت به درجات متفاوت در برخی دیگر از مناطق کشور که محل سکونت اقلیت‌های قومی بود مانند ترکمن صحرا، خوزستان، بلوچستان و تاحدودی آذربایجان پدیدار شد.

شکاف طبقاتی دیگر شکافی بود که موجب تفرقه در جامعه می‌شد. انقلاب تأثیر بسزایی در وضعیت طبقاتی جامعه داشت. در جریان جنبش انقلابی و نیز سال‌های

اولیه پس از انقلاب، اشتیاق طبقات متوسط و پایین برای بازتوزیع ثروت و قدرت به بهترین وجه خود را در شعرهای آن زمان نشان می‌داد. شعرهای ضد سرمایه داری گروه‌های چپ‌گرا و شعرهای مستضعف‌گرایانه گروه‌های مذهبی و رهبران حکومت اسلامی نیز بر این اشتیاق دامن می‌زد، اما برنامه باز توزیع ثروت از حد توقیف‌داری‌های سرمایه‌داران فراری یا وابستگان به رژیم پیشین به نفع دولت، چندان فراتر نرفت. بنابراین، اختلاف طبقاتی تا حدود زیادی باقی ماند و این مانعی بر همدلی و اتحاد در جامعه بود.

شکاف ارزشی میان انقلابیون معتقد به اسلام و نهضت امام و روشنفکران و مخالفین این رویه نیز از دیگر موانعی بود که رسیدن به همدلی، برادری و اتحاد همگانی را دشوار می‌کرد.

اوج این شکاف‌ها و چند دستگی‌ها را می‌توان همان دهه نخست و به‌خصوص بحبوحه اوایل انقلاب دانست. بنابراین، طبیعی بود که شاعران دهه نخست انقلاب اسلامی، عکس‌العمل شدیدی نسبت به تفرقه و کمرنگ شدن برادری و همدلی نشان دهند.

در دهه دوم تنها در چهار محور از نبود اتحاد و همدلی انتقاد به عمل آمده و در این محورها تبدیل دوستی‌ها به دشمنی و نزاع مورد تأکید قرار گرفته است. کاهش انتقاد از تفرقه و دشمنی در دهه دوم می‌تواند به دلیل بهبود یافتن برخی شکاف‌های اجتماعی اوایل انقلاب با توجه به تأثیرات فرهنگ دفاع مقدس و وحدت در سایه آن باشد.

در دهه سوم دوباره انتقاد از تفرقه و عدم همدلی و نابرداری‌ها اوج می‌گیرد و این بار حتی پنجاه درصد بیش از دهه اول به آن پرداخته می‌شود. تفرقه و دشمنی به دلیل تضعیف همدلی و همچنین رواج بی‌اعتمادی و خیانت عصاره‌ای از مطالب بیان شده در شعرهای منتخب این دهه بوده است.

۴-۳-۴. اوج انتقاد به آسیب‌های زندگی مدرن و تمدن شهری در دهه دوم

انتقاد از سبک زندگی مدرن و تمدن شهری یکی از گفتمان‌های غالب انتقاد اجتماعی در سه دهه نخست انقلاب بوده است. مظاهر تمدن جدید و به‌طور خاص تأثیر مدرنیته بر شئون زندگی مردم ایران از دیرباز با واکنش‌هایی از ناحیه متفکران سنتی و مذهبی روبرو بوده است. در دهه اول و سوم این انتقاد به چهار و شش محور محصور شده اما در دهه دوم محورهای پانزده‌گانه‌ای از این گفتمان حمایت کرده‌اند. در دهه نخست هنوز مدرنیته و سبک زندگی مدرن چندان بروز و ظهور نیافته اما نشانه‌های آن وجود دارد. به این دلیل شاعران که نخبگان هشداردهنده و حساس جامعه

هستند این خطر را هشدار می‌دهند آنها شهر و زندگی مدرن شهری را موجب غفلت و بی تفاوتی مردم می‌دانند و فناوری را در تقابل با طبیعت و سنت. البته احتمال می‌رود انتقاد آنها از ذات فناوری نباشد و تسلط آن بر انسان مورد نظر باشد.

در دهه دوم ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۷ این گفتمان به اوج خود رسیده و با کمیت و کیفیت بهتری بیان شده است. ۱۵ محور در شعرهای منتخب این دهه در برابر مدرنیته و سبک زندگی شهری موضع گرفته‌اند. به نظر می‌رسد این شدت عمل، به دلایل زیر رخ داده باشد:

شاعران منتخب دهه دوم اغلب از چهره‌های دانشگاهی و اساتید دانشگاه هستند. بنابراین، آشنایی عمیق‌تری نسبت به مدرنیته و عوارض آن دارند.

غالب شاعران منتخب این دهه از شاعران شهرستانی هستند که به تهران هجرت کرده‌اند و در مقایسه فضای شهرستان یا روستای خود با پایتخت و عوارض اجتماعی آن در این حوزه به سرودن پرداخته‌اند و از آسیب‌های زندگی مدرن شکایت کرده‌اند.

دهه دوم انقلاب اسلامی پس از پایان جنگ تحمیلی ورود فناوری‌های نو و تأثیر رسانه‌ها اوج می‌گیرد و این عوامل موجب می‌شود آسیب‌های زندگی غربی و مدرن روز به روز بیشتر خود را نشان می‌دهد و همانگونه که قابل پیش‌بینی است انتقادات شاعران از این معضل در این دهه به اوج خود رسیده است. بعد از افزایش چشمگیر انتقادات درباره سبک زندگی مدرن در دهه دوم، دهه سوم دوباره این انتقادات کاسته می‌شود و به ۶ محور می‌رسد. دلیل این کاهش در دهه سوم می‌تواند فروکش کردن التهاب سنت‌گرایی و مدرن‌سستیزی در دهه سوم باشد یا اینکه با تداوم گسترش مدرنیته و فراگیر شدن آن در بسیاری از شئون، شاعران دچار دل‌سردی شده‌اند و کمتر به این موضوع پرداخته‌اند.

۵-۳-۴-۶. انتقاد از بی‌انگیزگی، رکود و انفعال در دهه‌های اول و سوم

نبود انگیزه، پویایی و پشتکار لازم در برخی از مردم موجب شده تا شاعران انقلاب اسلامی در دهه اول و دهه سوم به شرحی که در نمودار آمده به این معضل انتقاد کنند. دهه اول آغاز این گفتمان در انتقاد اجتماعی شاعران انقلاب بوده و شاعران به مسائلی چون بی‌انگیزگی، دلمردگی و عدم پویایی در جامعه انتقاد وارد کرده‌اند.

در دهه دوم هیچ انتقاد مستقیمی در این زمینه نبوده‌است. فعالیت‌های مداوم و پیگیر برای سازندگی کشور پس از جنگ شاید دلیلی باشد بر نبود انتقاد در این شاخص.

در شعرهای دهه سوم نیز در این حوزه دورماندن از آرمان‌های حقیقی و عدم انگیزه

و پشتکار لازم برای اصلاح مطرح شده است که تا حدودی نشان دهنده دلسردی شاعران در این زمینه است.

۶-۳-۴-۶. انتقاد از عقیده و رفتار روشنفکران در دهه اول و سوم

حضور جریان روشنفکری در تاریخ معاصر ایران پررنگ بوده است. اما در برخی از برهه‌ها این حضور و تقابل با آن جدیت بیشتری یافته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی این جریان کم و بیش سکوت یا مخالفت با مواضع انقلاب داشته‌اند.

در دهه نخست به نظر می‌رسد به دلیل پررنگ بودن فضای تقابل میان شاعران متعهد به انقلاب و شاعران روشنفکر این انتقادات اوج بیشتری داشته است. در این دهه رویکرد روشنفکران در حذف مخالفان، انحراف و انحطاط اخلاقی آنان و جدایی آنان از دین و معنویت مورد تأکید قرار گرفته است.

همچنین در دهه سوم با روی کار آمدن دولت اصلاحات که شعار آزادی را برجسته کرد و با بال و پر گرفتن مجامع روشنفکری دوباره انتقاد به روشنفکران در شعر شاعران پررنگ شده است. در این دهه مجدداً انحراف و انحطاط فکری روشنفکران، فساد اخلاقی آنان، انحصاری کردن ادبیات از جانب آنان و بی‌محتوایی آثارشان مورد انتقاد قرار گرفته است.

اما در شعرهای مورد بررسی از دهه دوم هیچ‌گونه انتقاد مستقیمی در این حوزه دیده نمی‌شود.

۶-۳-۴-۷. انتقاد به غربزدگی مختص به دهه دوم

غربزدگی یکی از مشکلات عمده جامعه معاصر ایران بوده و هست. در انقلاب اسلامی، تقابل جدی با غربزدگی و تخریب آن به دلیل منافات روح فرهنگ غربی با ارزش‌های اسلامی صورت گرفته است.

در دهه دوم، تهاجم گسترده فرهنگ غربی و احترام به نشانه‌های غربی موجب همه مشکلات دانسته شده است و همچنین به غربزدگی در برخی مطبوعات انتقاد شده است.

۶-۳-۴-۸. انتقاد از غفلت جامعه در دهه نخست

تنها در ده سال نخست انقلاب محورهایی در شعرهای منتخب یافت شد که انتقاد از غفلت اجتماعی را شامل می‌شد. این مسئله نشان دهنده شدت غفلت اجتماعی یا شدت توجه به غفلت اجتماعی در این دهه می‌تواند باشد.

۹-۳-۴-۶. سیر روبه رشد ریا و نفاق در سه دهه نخست انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که وجهه‌ای کاملاً مذهبی داشت برخی از افراد جامعه برای بهره‌برداری از منافع و مزایای قدرت و ثروت، وانمود به انقلابی بودن و تدین می‌کردند. این تظاهرها موجب تخریب وجهه مسلمانان واقعی و تحریف حقیقت انقلاب می‌شد. این گونه ریاکاری و نفاق از نمونه‌های جزئی و فردی آغاز می‌شد و در برخی نمونه‌ها فرد منافق و ریاکار کسی بود مثل بنی‌صدر در نقاب مهم‌ترین مقام اجرایی کشور.

نتیجه تحلیل گفتمان تا مرحله چهارم نشان داد که گفتمان انتقاد از ریا و نفاق در جامعه پر رنگ‌ترین و جدی‌ترین گفتمان از لحاظ کمیت و فراگیری در هر سه دهه بوده است. نکته قابل توجه دیگر اینکه سیر رشد ریا و نفاق در هر سه دهه بسیار معنادار به نظر می‌رسد. در دهه نخست ۹ محور به این موضوع و موضع اختصاص یافته است. خطر نفاق برای جامعه به عنوان یک دشمن درونی، تظاهر برخی افراد به یاری انقلاب برای بهره‌برداری شخصی و قابل اعتماد نبودن برخی علما و بزرگانی که گرفتار ریا هستند از جمله مهم‌ترین مفاهیم انتقادی در شعر شاعران منتخب دهه اول بوده است.

در دهه دوم با افزایش کمی نسبت به دهه گذشته ۱۰ محور به انتقاد از ریا و نفاق پرداخته‌اند. در این دهه نیز از گسترش پدیده ریا و نفاق ابراز نگرانی شده و به‌خصوص رواج ریا و نفاق در برخی از متظاهرین به دینداری و حتی برخی علمای دینی گوشزد شده است.

در دهه سوم انتقاد از ریا و نفاق شدت قابل توجهی پیدا می‌کند به طوری که ۱۴ محور از شعرها با این موضوع نسبت نزدیک داشته است. این شدت می‌تواند نشان دهنده افزایش قابل اعتنای ریا و نفاق در جامعه دهه سوم باشد.

۱۰-۴-۳-۶. انتقاد کم تعداد نسبت به اعتیاد در دهه اول و سوم

اعتیاد به عنوان یک بحران اجتماعی، تا حدی در شعر شاعران منتخب انقلاب منعکس شده اما بسیار کم. تنها یک محور در دهه نخست و یک محور در دهه پایانی به این معضل اختصاص یافته است. علت این مطلب می‌تواند این نکته باشد که غالب شاعران منتخب در سه دهه خود از مصرف دخانیات برکنار نبوده‌اند. بنابراین، نمی‌توانند نسبت به اعتیاد نیز موضع پر تکرار و محکمی داشته باشند.

۱۱-۳-۴-۶. انتقاد به ضعف دشمن شناسی به خصوص در دهه نخست

بازنمایی اهمیت دشمن شناسی در نگاه شاعران منتخب انقلاب اسلامی در دهه نخست نسبتاً پررنگ بوده اما در دهه‌های بعد به شدت فروکش کرده است. در دهه نخست شاعران به شدت از تحلیل اشتباه از دشمن و دل بستن به او انتقاد کرده‌اند چرا که در نظر آنان دشمن اهل خیانت است و قابل اعتماد نخواهد بود.

افزایش توجه به دشمن شناسی در دهه نخست می‌تواند به دلیل رویارویی مستقیم با دشمن در دوران دفاع مقدس و برجسته بودن این موضوع در ذهن شاعران نیز باشد. در دهه دوم تنها یک محور به این پرداخته است که دشمن توانسته در دل برخی عناصر داخلی نفوذ کند و بر ذهن و عمل آنها سلطه پیدا کند. در دهه سوم نیز در تنها محور پرداخته شده به این موضوع دوباره اعتماد به دشمن و مخاطرات آن گوشزد شده است.

۱۲-۳-۴-۶. انتقاد از فقر در دهه دوم و سوم انقلاب

بی‌شک فقر یکی از معضلات جاری جامعه ایرانی بوده و کماکان هست. اختلاف طبقاتی گسترده و فقر بسیاری از مردم، میراثی بود از حکومت پهلوی که به انقلاب اسلامی رسید.

شاید یکی از دلایل عدم انتقاد مستقیم از فقر در دهه نخست همین مطلب باشد که فقر موجود در جامعه دهه نخست میراث دوران پهلوی است و انقلاب فرصت می‌خواهد تا آن را اصلاح کند. بنابراین، نخبگان جامعه انتقاد مستقیم از فقر را صلاح ندیده‌اند. در موضوعات مشابه نیز مانند بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی انتقاد در دهه نخست کم بوده است.

در دهه دوم انتقاد به فقر اوج می‌گیرد و افزایش شکاف طبقاتی و رویکرد سرمایه‌داری در این دوره و به خصوص افزایش آمار تورم و کاهش محسوس ارزش پول می‌توانند علل این افزایش باشند. عدم جدی گرفتن جایگاه معضل فقر و مخاطرات آن و نبود همت برای رفع آن از مهم‌ترین مفاهیمی است که در شعرهای این دهه مورد تأکید قرار گرفته است.

در دهه سوم نیز اگر چه کمتر، اما به این معضل در چهار محور پرداخته شده و به‌طور خاص پیوستگی فقر با معضلاتی چون فحشا و نمایشی بودن اقدامات رفع فقر در شعرهای منتخب این سال‌ها مطرح شده است.

۱۳-۳-۴-۶. انتقادهایی به دنیاگرایی و مصرف‌گرایی در دهه اول و سوم

دنیانگرایی و مصرف‌گرایی به عنوان یک فرهنگ غلط و خطرناک در بخشی از جامعه و مسئولان جاری است. در حدیث داریم که دنیادوستی ریشه همه مفسد است. در دهه نخست دنیانگرایی و مصرف‌گرایی در دو محور مذمت شده و ننگ شمرده شده است. در شرایط دفاع مقدس که مردم با قناعت و کمک به جبهه‌ها روزگار می‌گذراندند طبیعی بود که پدیده دنیانگرایی این‌چنین مذموم و ننگین تلقی شود. در دهه دوم هیچ اشاره مستقیمی به دنیانگرایی و مصرف‌گرایی نشده است. این در حالی است که به نظر نمی‌رسد اشرافی‌گری و مصرف‌گرایی در این دوره وضعیت مطلوبی داشته باشد. البته در همین دهه شاعران به انتقاد از موضوعات مرتبطی چون بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی و عافیت‌طلبی پرداخته‌اند. در دهه سوم نیز دو محور به نقد مصرف‌گرایی و دنیانگرایی اختصاص یافته و وجود این معضلات در جامعه یادآوری شده است.

۱۴-۳-۴-۶. افول سلامت روانی جامعه در دهه دوم

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به‌خصوص در دو دهه نخست، شاعران شاخص انقلاب انتقاداتی را نسبت به آسیب‌های روانی جامعه بیان کرده‌اند. در دهه نخست، آسیب‌های ترس و نگرانی در جامعه هشدار داده شده و عدم رشد مردم، تضعیف ایمان و عزت نفس مردم از عوارض این معضل در جامعه معرفی شده‌اند. همچنین در این دهه اشاره‌های صریحی شده که نشان می‌دهد پشت پرده فضای نگرانی و التهاب در جامعه دست‌های پنهان مزدوری است که با شایعه افکنی و وحشت‌آفرینی فضای ناسالم روانی را مدیریت می‌کنند.

در دهه دوم که هشت محور به انتقاد از این معضل پرداخته‌اند بیشتر به رواج افسردگی و کسالت و به‌طور عام نبود سلامت و امنیت روانی در جامعه تأکید شده است. در این دهه همچنین زمینه‌هایی چون شایعه پراکنی رسانه‌ها و بحران‌های حاد اجتماعی به عنوان سرمنشأ بیماری‌های روانی جامعه یاد شده‌اند. در دهه سوم انتقادهای سه محور کاهش یافته و در این محورها بر هیجان‌ات‌کاذب و شادی‌های متوهمانه تأکید شده است.

۱۵-۳-۴-۶. هجرت روستاییان به شهر در دهه نخست

آمارها نشان می‌دهد هجرت روستاییان به شهر و کاهش جمعیت روستائین از سال ۱۳۳۵ به بعد رشد چشمگیری پیدا کرده است. در دوره انقلاب نیز این سیر تغییر

ادامه پیدا کرده به طوری که در دهه نخست انقلاب حدود هفت درصد از جمعیت روستانشین کاسته و به شهرنشینان افزوده می‌شود. این سیر در دهه دوم و سوم تا حدی کندتر ادامه می‌یابد اما متوقف نمی‌شود.

در شعرهای مورد بررسی، تنها در دهه نخست که بیشترین آمار مهاجرت به شهر هم در آن دهه اتفاق افتاده سه محور به این حوزه اختصاص یافته است. در هر سه مورد بر این مهم تأکید شده است که مهاجرت روستائیان به شهر بالاجبار و بر اثر ستم خوانین و سرمایه‌دارها صورت می‌گیرد و گر نه هیچ روستایی‌ای میل ندارد و طمش را ترک کند.

۱۶-۳-۴-۶. انتقاد از بدحجابی در دهه دوم و سوم

بدحجابی به عنوان یک معضل اخلاقی اجتماعی پس از پیروزی انقلاب و با الزامی شدن حجاب، به وجود آمد. این معضل رفته رفته با گسترش تهاجم فرهنگی افزایش یافت به طوری که این افزایش بسیار محسوس بوده است. بیشترین انتقاد به بدحجابی در شعرهای منتخب شاعران در دهه دوم صورت گرفته است.

به نظر می‌رسد دهه نخست با حضور حضرت امام (ره)، سایه دفاع مقدس بر جامعه، همچنین گسترش کمتر تهاجم فرهنگی و رسانه‌های بیگانه معضل بدحجابی در انتقادات اجتماعی مطرح نشده است.

در دهه دوم شعرها به این مطلب اشاره داشته‌اند که بدحجابی می‌تواند به دین و انقلاب آسیب جدی وارد کند. در دهه سوم نیز رواج بدحجابی در جامعه هشدار داده شده است.

۱۷-۳-۴-۱۷. تداوم ظلم خوانین و قدرتمندان در اوایل انقلاب

اوایل پیروزی انقلاب اسلامی هنوز در بعضی مناطق روستایی کشور، خان‌ها به سلطه بر رعیت می‌پرداختند و این سلطه در غالب موارد همراه با استثمار و ظلم بود.

۱۸-۳-۴-۱۸. عدم رعایت شأن و حرمت جانبازان در دهه سوم

پس از انقلاب رفته رفته جانباзانی که از سلامتی خود برای امنیت مردم گذشته بودند به فراموشی سپرده شدند و روزبه روز بر این نسیان افزوده شد. بسیاری از این جانبازان بی‌آنکه کسی بدانند در گوشه‌ای مشغول به خدمت هستند و با حداقل‌ها زندگی می‌کنند و بسیاری دیگر در بیمارستان‌ها با بیماری و جراحی، به سختی روزگار می‌گذرانند. تنها در دهه سوم انقلاب انتقاد از این حوزه در ۵ محور بیان شده است. در این شعرها مظلومیت جانبازان و غربت آنان در جامعه دهه سوم ترسیم شده است.

در بخشی نیز به ادامه خدمت آنان در لباس‌های مختلف اما عدم رعایت شأن حقیقی آنان اشاره شده است.

خط اول بود که پایش را برد
خط خورد گلویش و صدایش را برد
دارد کفش من و تو را می‌دوزد
کفاش که جنگ کفش‌هایش را برد
(ارژن، ۱۳۸۷)

۱۹-۳-۴-۱۹. ضعف فرهنگ نقد و اصلاح در جامعه

وجود فرهنگ نقد در هر جامعه‌ای ضامن بقاء و پیشرفت آن خواهد بود. در ایران پس از انقلاب اسلامی یکی از معضلات، ضعف فرهنگ نقد و اصلاح در جامعه بوده است. انتقاد به این وضعیت از همان دهه اول با قوت نسبی آغاز شده و در دهه دوم اوج بیشتری گرفته است.

در دهه نخست از طرفی نبود پذیرش نقد و اصلاح در جامعه مورد انتقاد واقع شده است. جامعه دهه نخست این‌گونه تصویر شده است که جامعه به منتقدان و جایگاه آنها بی‌اعتناست و عافیت‌طلبی مردم را در مقابل منتقدان قرار داده است.

در دهه دوم انتقادات به نبود فرهنگ نقد افزایش می‌یابد. در بخش اول این انتقادات به بی‌اعتنایی مردم از توجه به نقد مصلحان و طرد آنان از جامعه مطرح شده است. همچنین جامعه بدون حضور نخبگان جامعه‌ای آسیب‌پذیر و آفت‌پذیر خوانده شده است.

از طرفی یکی از محورهای این دهه به ناکارآمدی مصلحان و منتقدان نیز اشاره دارد. در دهه سوم هیچ‌گونه انتقادی در این زمینه از شعرهای منتخب استخراج نشده است و این نتیجه، می‌تواند نشان‌دهنده بهبود فرهنگ نقد در دهه سوم انقلاب باشد.

۲۰-۳-۴-۶. اوج اختلاف طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی در دهه دوم

بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی در جامعه یکی از معضلات بنیادین به حساب می‌آیند و بسیاری از ناهنجاری‌ها و بحران‌های بعدی را باعث می‌شوند.

اختلاف طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی در هر سه دهه مورد توجه شاعران انقلاب بوده است و این انتقاد در دهه دوم با نه محور به اوج رسیده است.

در دهه نخست نسبت به تقسیم ظالمانه قدرت و احترام اجتماعی به خصوص بی‌عدالتی نسبت به قشر انقلابی و ایثارگر تأکید شده است.

چرا خدیجه گریه نکند؟

در حالی که او ما را به اندازه دو باغ گل سرخ
به بهار نزدیک کرده است
با تحمل دو داغ
به اندازه دو طلوع
صبح ظهور را جلو انداخته است
اما هنوز حق با شهلاست

سلمان هراتی- از شعر زمزمه جویبار (هراتی، ۱۳۸۸)

از طرف دیگر در همین دهه بر مشهود بودن اختلاف طبقاتی و لزوم زیر سؤال بردن آن تأکید شده است.

در دهه دوم این سیر به شدت صعودی شده است به طوری که بیش از پنجاه درصد به انتقادات از بی عدالتی و اختلاف طبقاتی افزوده شده است. در این دهه علاوه بر تأکید دوباره، بر تقسیم ناعادلانه قدرت و عدم تحقق عدالت علوی خاموش ماندن و بی تفاوتی نسبت به این بی عدالتی موجب سقوط جامعه شمرده شده است. همچنین در یکی از محورها برخی از قضات و محکمه‌ها فاقد عدالت دانسته شده است. همچنین در سه محور بر شکاف و تبعیض طبقاتی در جامعه و مذمت آن تأکید شده است.

در دهه سوم نیز در یک محور اختلاف طبقاتی در جامعه مورد انتقاد قرار گرفته است و در دیگر محورها مجدداً از تألم انسان‌های متعهد نسبت به شدت بی عدالتی در جامعه سخن رفته و از بی عدالتی دادسراها انتقاد شده است.

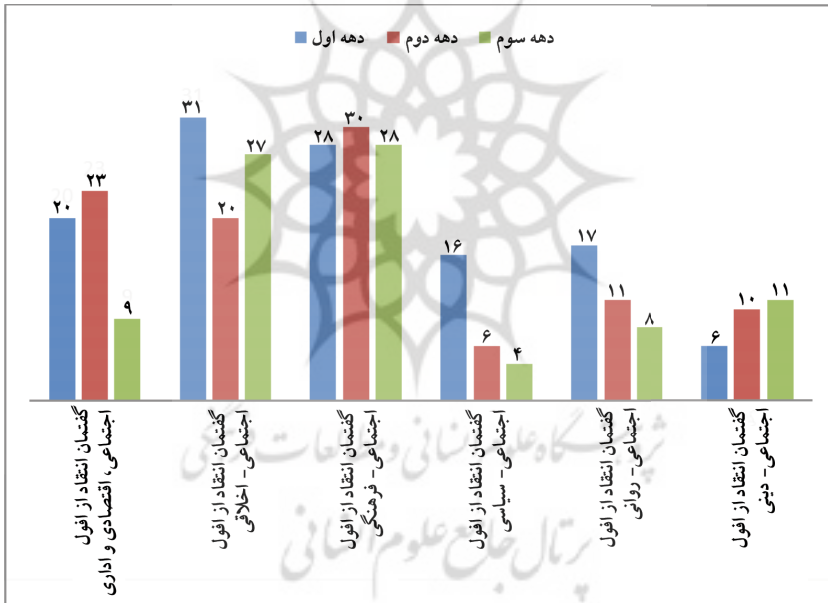
۷. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش گردید که با روش تحلیل گفتمان پدام، گفتمان‌های انتقاد اجتماعی در شعر پس از انقلاب اسلامی و سیر تحول آن در دوره‌های مختلف زمانی مورد بررسی قرار گیرند. با تحلیل ۷۵ شعر برگزیده از ۱۵ شاعر منتخب انقلاب اسلامی در نهایت به دال‌های مرکزی متعددی رسیدیم که هر کدام نشان‌دهنده انتقاد شاعران به یکی از معضلات اجتماعی بود. معضلاتی که در عین اجتماعی بودن هر کدام سمت و سوی متمایزی داشتند و اجتماع را به مسائل دیگری چون اقتصاد، سیاست، دین و فرهنگ پیوند می‌زدند.

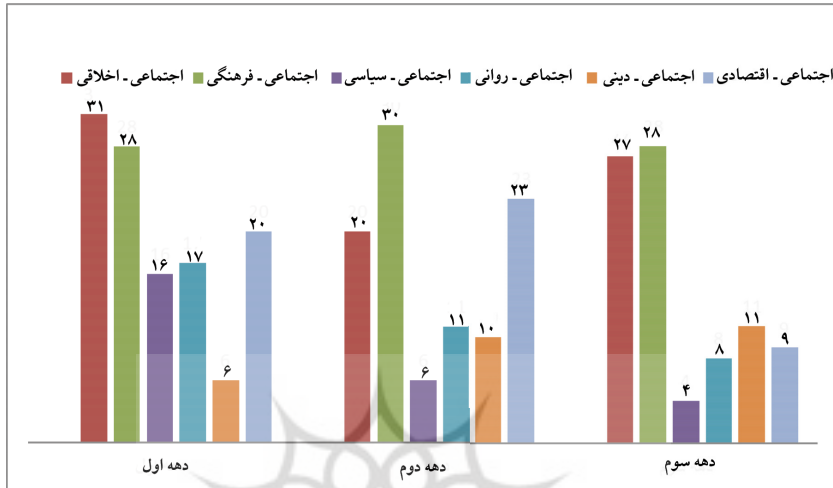
بررسی نشان دادند که شش گفتمان انتقاد اجتماعی در شعر سه دهه نخست

انقلاب اسلامی به شرح زیر وجود دارد:

۱. گفتمان انتقاد از افول اجتماعی، اقتصادی و اداری (۵۲ محور)
 ۲. گفتمان انتقاد از افول اجتماعی - اخلاقی (۹۲ محور)
 ۳. گفتمان انتقاد از افول اجتماعی - فرهنگی (۸۶ محور)
 ۴. گفتمان انتقاد از افول اجتماعی - سیاسی (۲۶ محور)
 ۵. گفتمان انتقاد از افول اجتماعی - روانی (۳۶ محور)
 ۶. گفتمان انتقاد از افول اجتماعی - دینی (۲۷ محور)
- نمودار شماره (۵) بیانگر گفتمان‌های مزبور است.



نمودار ۵. وضعیت گفتمان‌های انتقاد اجتماعی در سه دهه نخست انقلاب بر اساس نتایج تحلیل گفتمان نمودار شماره (۶) نیز به خوبی سیر تحول گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر شاعران انقلاب را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند در طول این سه دهه چه تغییراتی در این گفتمان‌ها ایجاد شده است.



نمودار ۶. وضعیت شش گفتمان انتقاد اجتماعی در هر دهه از انقلاب اسلامی

بر اساس نمودار شماره ۶، مهم‌ترین تحولات گفتمانی در این سه دهه را می‌توان چنین خلاصه کرد:

«گفتمان انتقاد از افول اجتماعی سیاسی» و «گفتمان انتقاد از افول اجتماعی روانی» هر دو سیر نزولی مشهود و مشابهی داشته‌اند. به طوری که در دهه دوم و سوم به مراتب کمتر از دهه نخست مورد اعتنای شعرای انقلاب قرار داشته‌اند. «گفتمان انتقاد از افول اجتماعی فرهنگی» با ثبات‌ترین و قدرتمندترین گفتمان در این سه دهه بوده است. به طوری که در هیچ برهه‌ای کاهش یا افزایش چشمگیری پیدا نکرده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گفت که معضلات اجتماعی فرهنگی و انتقاد شاعران از این معضلات در یک سیر باثبات، در همه دهه‌ها ادامه یافته‌اند و در همه دهه‌ها منهای دهه نخست، بالاترین سطح انتقادات را شامل شده‌اند.

«گفتمان انتقاد از افول اجتماعی اخلاقی» نیز بر اساس نتایج تحلیل گفتمان دومین گفتمان قدرتمند این سال‌ها بوده است. این گفتمان در دهه نخست بیشترین گزاره‌ها را به خود اختصاص داده است اما در دهه دوم با حدود ۳۰ درصد کاهش روبرو شده و در دهه سوم حدود ۳۰ درصد افزایش پیدا می‌کند اما به اوج دهه نخست نمی‌رسد. «گفتمان انتقاد از افول اجتماعی دینی» از میان شش گفتمان به دست آمده، تنها گفتمانی است که در سه دهه سیر صعودی داشته است. وسعت این گفتمان اگر چه

در همه دهه‌ها قابل اعتنا نبوده‌است. اما این سیر صعودی را می‌توان معنادار تلقی کرد و نشانه افزایش آسیب‌های اجتماعی دینی در ۳۰ سال نخست انقلاب دانست. «گفتمان انتقاد از افول اجتماعی اقتصادی» نیز به نَسَبه یکی از گفتمان‌های برتر انتقاد اجتماعی در شعر انقلاب اسلامی بوده است. این گفتمان در دهه اول سطح نسبتاً بالایی از گزاره‌ها را به خود اختصاص داده، در دهه دوم به اوج خود می‌رسد و در دهه سوم به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ارژن، بیژن (۱۳۸۷) چهل کلید، تهران: نکا.
- بشیر، حسن (۱۳۹۰). رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمان، تهران: سیمای شرق.
- پالمر، فرانک (۱۳۶۶). نگاهی تازه به معنی‌شناسی، تهران: کتاب ماد.
- پورالخاص نوکنده‌ای، شکرا... (۱۳۷۵). تحلیل سیر انتقادهای سیاسی و اجتماعی در شعر فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- تاجیک، محمدرضا و همکاران (۱۳۷۸). گفتمان و مجموعه مقالات تحلیل گفتمانی، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- حسنلی، کاووس (۱۳۸۳). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- درستی، احمد (۱۳۸۱). شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- درگاهی، زین‌العابدین (۱۳۸۹). «شعر، نقد و شعر اجتماعی». نشریه کتاب ماه ادبیات، شماره ۳۸.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵) لغت نامه دهخدا، تهران: مجلس.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی، تهران: علم.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۳). از نتایج سحر (شعر انقلاب، تعریف، چیستی، ویژگی‌ها و ابعاد)، تهران: سوره مهر.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه‌معناشناختی گفتمان، تهران: سمت.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.
- فوکو، میشل (۱۳۸۰ الف) نظم گفتار. ترجمه باقر پرهام، تهران: آگه.
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۹). شناخت ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- لریجانی، محمدجواد (۱۳۹۱). «جایگاه انتقاد و اهمیت آن در حفظ سرمایه اجتماعی»، نشریه اندیشه: پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۳.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱، جلد ۱، تهران: جامعه‌شناسان.
- معلم دامغانی، علی (۱۳۸۵). رجعت سرخ ستاره، تهران: سوره مهر.
- مک دانیل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، تهران: فرهنگ گفتمان.

- مهدی‌زاده طالشی، محمد (۱۳۸۳). بازنمایی ایران در مطبوعات غرب: تحلیل انتقادی واعظی، احمد (۱۳۹۰). نظریه تفسیر متن، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- هراتی، سلمان (۱۳۸۸). آب در سماور کهنه، تهران: تکا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی